

مصاحبه

درباره آموزش حقوق در نظام آموزش عالی کشور

دکتر ناصر کاتوزیان*

دکتر حسن جعفری تبار*

مصاحبه کنندگان: مختار نعم و مسعود فریادی

• چه نقشی را برای دانشکده حقوق در توسعه نظام حقوقی و تحقق عدالت اجتماعی قائل هستید؟

دکتر کاتوزیان:

در نقش دانشکده حقوق در توسعه نظام حقوقی و تحقق عدالت اجتماعی هیچ تردیدی نیست. زیرا دانشکده حقوق جایی است برای تربیت قاضی و هیچ کشوری بدون قضاوت درست و نظام درست، نه می تواند منبع قضاوت باشد و نه منبع عدالت. در کشور ما به خصوص بعد از انقلاب مسائل جدیدی مطرح شد، مثل روابطی که شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی دارد، یا اینکه قانون چه نقش و اعتباری دارد. در نظام سابق این مسائل تا حدودی پا گرفته بود؛ اما بعد از انقلاب مسائل جدیدی که ذکر شد، مطرح شدند و حل آن مسائل جز در دانشکده حقوق در جای دیگری به طور کامل ممکن نیست. از طرف دیگر دانشکده حقوق وکیل هم تربیت می کند که در دفاع و حمایت از حقوق اشخاص دخیل هستند. پس می توان گفت نهادی که مسائل اساسی فوق الذکر در آنها مطرح می شود، نقش بسیار مهمی در ساختار سیاسی و اجتماعی

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران
* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران

جامعه دارد و از طرف دیگر چون قاضی و وکیل تربیت می‌کند، هم در اقتدار حکومت تأثیر دارد و هم در حمایت از حقوق اشخاص در قبال حکومت.

دکتر حسن جعفری تبار:

بنیان حقوق ایران به جهت سابقه تاریخی‌اش، بر نظریه‌های حقوقی است. در گذشته‌های دور ما دولت نداشتیم تا قانون‌گذاری کند. به عبارت دیگر اوتوریت‌های حقوق ایران در گذشته دولت نبود، بلکه نظریه‌پردازان ما، یعنی فقها بودند که هم حقوق را می‌ساختند و هم حکم می‌دادند. اما بعد از تشکیل دانشکده حقوق، مرکزیت مذکور از فقه به دانشکده حقوق انتقال یافت. می‌توان گفت دکترین‌ها الان بیشتر در دانشکده‌های معتبر حقوق ساخته می‌شوند یا حداقل این دانشکده‌ها در کامل شدن دکترین‌های گذشته نقش اساسی دارند و آنها را به نقد و بررسی می‌کشاند. پس می‌توان گفت که آموزش حقوق دکترین‌ساز است و دانشکده حقوق کارکرد مهمی در این امر دارد.

● در صورت مقایسه نظام آموزش کنونی و زمان خود، به چه نتیجه‌ای می‌رسید؟ نظام کنونی در مقایسه با نظام آموزشی گذشته، چه مزیتی را تحصیل کرده و به چه عارضه‌ای گرفتار شده است؟

دکتر کاتوزیان:

به نظر من آموزش حقوق در مقایسه با گذشته تفاوت چندانی نکرده است. گرچه تظاهر می‌کنند که فقه بیشتر شده یا دروس دیگر کمتر شده است، ولی تفاوت عمده‌ای از این جهت نکرده است. فقط دروس جدیدی در دانشکده حقوق مطرح شده و تدریس می‌شود که در گذشته سابقه نداشت، مثل دروس حقوق تطبیقی یا تجارت بین‌الملل که در گذشته یا تدریس نمی‌شد یا عمق و وسعت قابل ملاحظه‌ای نداشت یا درس مسئولیت مدنی که درس بسیار مهمی است و کتاب‌های مختلفی برای آن نوشته شده است، در حالی که در گذشته این درس حداکثر به صورت یک جزوه‌ای چند صفحه‌ای مطرح بود. در گذشته غالب درس‌ها کتاب نداشت. منابعی که الآن در دست دانشجویان ما است، نسبت به سابق رشد و توسعه چشمگیری دارد.

درباره دانشجویان هم من سیر ترقی را می بینم. بعضی ها انتقاد می کنند که دانشجویان ما خیلی پس رفته اند و حسرت گذشته را می خورند که چه دانشجویان مستعد و فعالی داشتند، ولی به عقیده من دانشجویان هم ترقی کرده اند. الآن بسیاری از دانشجویان ما چند زبان خارجی می دانند و به حقوق خارجی آشنایی دارند، فکر نو دارند و در این نظام حقوقی جدید به طور فعال شرکت می کنند. در حالی که دانشجویان سابق گرچه بعضی از آنها ممکن بود چهره درخشانی بشوند، ولی در مجموع مرتبه علمی آنها عقب تر از دانشجویان حال بود.

استادان دانشکده حقوق نیز از یک منظر در مقایسه با گذشته رشد دارند. برخی اساتید سابق، عناوین سیاسی و اجتماعی فراوانی داشتند و حتی گاهی مشاهده می شد که هیئت دولت با حضور و عضویت اساتید دانشکده حقوق تشکیل می یابد؛ اما در این وضع، اساتید وقت کافی نداشتند و نمی توانستند به سؤال و مشکلات دانشجویان برسند.

پس می توان گفت که اساتید دانشکده حقوق نیز در مقایسه با گذشته، پس رفتگی ندارند. منتها مشکل عبارت است از اختلال و دخالتی که از بیرون می شود. اگر از بیرون اختلال نکنند و عناصر نامناسب را به این جامعه آموزشی و علمی پیوند ندهند، به نظر من این نظام مسیر طبیعی ترقی خودش را طی می کند.

مقایسه رساله های دکتری در حال حاضر با رساله های سابق، حکایت از پیشرفت حقوق و نقش اساتید آن دارد و البته این پیشرفت تا حدودی معلول رشد طبیعی هر جامعه است و به نظام سیاسی خاص اختصاص ندارد. به عبارت دیگر، این جامعه علمی خود بدن خود را می سازد و رو به جلو حرکت می کند، مشروط بر اینکه با بهانه های مختلفی برای رسیدن به امیال و اغراض خاص، در رشد و ترقی اختلال ایجاد نشود. مشکلی که رشته حقوق در حال حاضر دارد، همین اختلال هاست نه اینکه نظام کلی آموزش حقوق ایرادی داشته باشد.

• آیا منظور شما این است که درس حقوق نباید از سیاست و عوامل سیاسی متأثر شود و هدفش صرفاً علم و تحقیق باشد؟

دکتر کاتوزیان:

نه. باید گفت که سیاست و حقوق از هم جدا نیست. نمی‌شود سیاست و حقوق را از هم جدا کرد. من با این نظر مخالفم. حقوق چه خوب و چه بد، اراده دولت است، از قدرت ناشی می‌شود و قدرت هم ممکن است صالح باشد یا ناصالح. لذا ارزیابی دانشکده حقوق باید آزاد باشد و این آزادی می‌تواند از طریق انتقاد سازنده عامل پیشرفت شود و البته همین امر خود نوعی سیاست است. منتها سیاست در هر نظامی با نظام دیگر متفاوت است. در نظام دانشگاهی سیاست یعنی آزادی در تجزیه و تحلیل قوانین و نظامات و شیرازه هر جامعه است. ولی این بدین معنی نیست که دانشجویان یا اساتید اختلال ایجاد کنند و کلاس‌های درس تعطیل شود. این کار شور و نشاط جوانی است و جوان همیشه در حال اعتراض است، کسی هم نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد و ما با آن بحثی نداریم. بحث ما آزادی عقیده است که اگر در دانشگاه‌ها نباشد تا تمام نهاد را بتوان نقد و ارزیابی کرد، یقیناً سیر ترقی دانشگاه‌ها متوقف می‌شود؛ زیرا ترقی میوه‌ای است که از نهال آزادی به بار می‌آید.

به عنوان نتیجه و خلاصه می‌توان گفت که آموزش رشته حقوق در مقایسه با گذشته، علی‌الاصول رشد و توسعه داشته است. تنها عاملی که روند طبیعی این رشد را مانع می‌شود یا کند می‌کند، دخالت‌های ناروا در فعالیت‌های علمی دانشگاه است.

• مرتبه علمی اساتید دانشکده حقوق و نقش آنان را در تحقق اهداف این دانشکده چطور می‌بینید؟

دکتر کاتوزیان:

در باره مرتبه علمی اساتید، به تجربه می‌دانیم استادانی که از راه طبیعی، یعنی با انتخاب گروه‌های آموزشی و از مجرای علمی به این دانشکده‌ها پیوند می‌خورند، آثار خیلی خوبی را از خود به یادگار می‌گذارند و نتیجه خیلی خوب و مطلوبی می‌دهند. اما اساتیدی که وزارت علوم یا جاهای دیگر انتخاب می‌کنند که اغلب شائبه سیاسی نیز

دارد، نتیجه مطلوبی نمی‌دهند. کما اینکه در چند دوره، جمعی از استادان دانشکده حقوق را عوض کردند و استادان دیگری را آوردند یا به صورت موردی، اشخاصی به دانشکده تحمیل شدند که با این جامعه علمی همخوانی نداشتند. اخلاص مورد نظر این است. به نظر من استقلال دانشگاه‌ها بهترین راه است برای رشد و ترقی دانشگاه‌ها. اینکه تمام دانشگاه‌ها زیر سلطه وزارت علوم بروند نظام مطلوبی نیست. وزیر علوم در یک کابینه سیاسی عضویت دارد و هزار جور محذوریت دارد و ما هم برای او ایراد نمی‌گیریم که چرا برای رسیدگی به امور دانشگاهی وقت کافی ندارد. اما این محذوریت‌ها در جمع دانشگاهی، یعنی گروه‌های آموزشی کمتر است. قانون-گذاران این نهاد، دانشگاه‌ها هستند و همیشه خطر انحراف در تصمیم جمعی کمتر از تصمیم فردی است.

● شما درباره مرتبه علمی دانشجویان حقوق مطالبی را فرمودید. سؤال دیگر ما درباره کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی است. تحقیق و پژوهش دانشجویان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

دکتر کاتوزیان:

همه پایان‌نامه‌ها را نمی‌توانیم عالی ارزیابی کنیم. اما در بررسی کلی، تعداد پایان‌نامه‌هایی که به‌خصوص در مقطع دکتری تصویب می‌شوند، در سابق کمتر سابقه دارد؛ یعنی آن رشد و ترقی در اینجا کاملاً محسوس است. ما کتاب مجموع مقالاتی را که اهدا شده بود به مرحوم دکتر امامی، با عنوان تحولات حقوق خصوصی چاپ کردیم. در تجدید چاپ این کتاب، مقالات جدیدی را نیز ضمیمه کردیم که استادان جدید این دانشکده که اغلب دانشجوی این دانشکده نیز بودند، آنها را نوشته بودند. مقایسه این دو دسته مقاله، به خوبی پیشرفت دانشجویان و استادان دانشکده حقوق در حال حاضر را ثابت می‌کند.

• برخی از نظریه پردازان معتقدند که دفاع از پایان نامه دانشجویی اغلب جنبه شکلی و فرمالیته دارد و سابقه ندارد که پایان نامه ای رد شده باشد، آیا شما با این نظر موافقید؟

دکتر کاتوزیان:

چرا سابقه دارد. خیلی از پایان نامه ها رد شده اند. دلیل رد نشدن پایان نامه ها این است که استاد راهنما دقت می کند و اجازه نمی دهد پایان نامه ای که مطابق میل و نظر او نوشته شده است، رد شود. استاد مشاور نیز بر کیفیت پایان نامه دانشجویی نظارت می کند. اگر این نظارت ها درست باشد، جای هیچ نگرانی نیست. البته من در محدوده گرایش خودم عرض می کنم، زیرا من به همه گرایش های رشته حقوق یا به همه دانشکده های آن احاطه ندارم. ولی در مجموع می توانم بگویم که درجه علمی دانشجویان و پژوهش آنها روند صعودی و ترقی دارد.

• شرایط استاد شدن و جذب استاد در دانشکده حقوق چیست؟ آیا صرف داشتن مدرک دکتری در موضوع خاص، برای تدریس در آن زمینه کفایت می کند؟ آیا استاد دانشکده حقوق باید دوره خاصی را ببیند؟

دکتر کاتوزیان:

نه، استخدام و جذب استاد در دانشکده حقوق این طور نیست که هر کس دکتر حقوق باشد بتواند به دانشکده راه پیدا کند. ما احتیاجات خودمان را می گوئیم و دانشجویان خود را از همان مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نشان می کنیم و تحقیقات آنها را در نظر می گیریم. گاهی وقت ها هم نیاز خود و شرایط داوطلب را در روزنامه منتشر می کنیم و بعد مدارک تحصیل و تحقیقات داوطلبان را در کمیسیون خاصی مطالعه می کنیم. اگر بین یکی دو نفر یا حتی نسبت به یک نفر تردید داشتیم، موضوعی را برای تحقیق معین می کنیم و از آنها می خواهیم که در گروه راجع به آن

بحث کنند و به نظریات و ایرادات اساتید جواب بدهند. نتیجه آن بحث و بررسی‌ها که در گروه می‌شود، مشخص می‌کند که متقاضی را می‌پذیریم یا نه. اما درباره نحوه تدریس در دانشکده حقوق، به نظر نمی‌رسد که گذراندن دوره خاص برای تدریس ضروری باشد. آری، در گذشته چنین رسمی بود که گاهی اساتید با سابقه قدیمی، در کلاس درس با اساتید جوان و تازه جذب شده حاضر می‌شدند و او را برای دانشجویان معرفی می‌کردند که چه سابقه تحصیلی و تحقیقی دارند. این رسم الآن از بین رفته است، اما بد نیست که الآن هم باقی باشد و پیوند بین اساتید گذشته و آینده ترمیم پیدا کند.

• **گرایش‌های جدید حقوقی را مثل حقوق تجارت بین‌الملل یا حقوق بشر، چطور ارزیابی می‌کنید، هم از دید ضرورت و لزوم آنها و هم کیفیت و درجه علمی آنها؟**

دکتر کاتوزیان:

باید گفت که در ضرورت آنها تردیدی نیست و بالاخره این گرایش‌ها باید روزی در دانشکده حقوق ایجاد شوند. اما از دید کیفیت باید گفت که درجه‌شان پایین است و البته این امر طبیعی است. شما درسی را که یک استاد امروز شروع می‌کند با درسی که سی سال پیش می‌گفت، مقایسه کنید، که با هم فرق دارند. طبعاً در گرایش‌های جدید، کیفیت پایین است؛ حتی رساله‌هایی که نوشته می‌شود، به عمق رساله‌های گرایش‌های قدیمی نیست. اما این ضعف طبیعی هرگز مانع ایجاد گرایش‌های جدید نیست. استعدادها را باید شناخت و به دانشجویان و اساتید فرصت داد تا گرایش‌های جدید را به وجود آورند و نباید حقوق را در چند گرایش خاص محبوس کرد. اما در قوت رشته‌های جدیدالتأسیس هرگز نمی‌توان اغراق کرد و گفت که گرایش‌های سابق را نیز زیر سایه خود فرو برده‌اند، زیرا سالیان دراز وقت لازم است تا این زمین نو پا بخورد و سفت شود تا بتوان روی آن بنای جدیدی ساخت.

دکتر حسن جعفری تبار:

این گرایش‌های جدید خوب هستند و باید تأسیس شوند. من فکر می‌کنم برای نمونه به گرایش حقوق بشر باید اهمیت خاص داده شود و به عنوان رشته مستقلی نگریسته شود. ما دانشجویان حقوق خصوصی بیشتر درگیر مسائل مالکیت هستیم، حق مالکیت را بررسی می‌کنیم که البته در محترم بودنشان در جای خود تردیدی نیست. دانشجویان حقوق عمومی هم بیشتر درگیر حقوق عمومی به معنای قانون اساسی هستند. اما من فکر می‌کنم که برای تقویت رشته حقوق بشر ضرورت داشته باشد که حقوق بشر را قبل از قانون اساسی بنگریم. البته این کار، یعنی تأسیس گرایش جدید باید به صورت اندیشیده و فکر شده انجام شود. نه اینکه بعد از تأسیس گرایش متوجه شوند که استاد ندارند، برنامه دقیقاً تدوین نشده است یا ادبیاتی در آن زمینه وجود ندارد.

دکتر کاتوزیان:

دانشکده حقوق یک مدرسه حرفه‌ای فنی است. کسی که تاریخ خوانده است نمی‌تواند فوق‌لیسانس حقوق هم بخواند، ولو چندین درس تکمیلی هم برایش معین کنند. خصوصاً اگر دانشکده‌های حقوق کشور آمریکا را ببینید. تغییر رشته در علم حقوق، یعنی اینکه دانشجویی از رشته دیگر وارد مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری حقوق شود، غیرممکن است و البته رشته پزشکی هم مثل حقوق است، زیرا این دو رشته را به عنوان درس حرفه‌ای نگاه می‌کنند. چند سال پیش که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گرایش حقوق بشر تأسیس شد و من در این گرایش تدریس می‌کردم، دیدم که دانشجویان اصلاً متوجه بحث نیستند؛ زیرا دانشجویانی برای این مقطع و گرایش قبول شده بودند که به حقوق ناآشنا بودند، در حالی که در کارشناسی ارشد طبیعتاً مسائلی بحث می‌شود که باید پایه‌های دانشجویی در مقطع کارشناسی حقوق برای آن بحث‌ها آماده و محکم شده باشد. حتی در آمریکا مرسوم است که می‌گویند کسی که بعد از دبیرستان بلافاصله در کنکور قبول می‌شود، قابلیت ورود به رشته حقوق ندارد، بلکه باید ضرورتاً کالج یا دانشکده دیگری را بگذرانند تا هم از لحاظ فکری به رشد و بلوغ کامل برسد و هم با مسائل و معضلات و موضوعات اجتماعی آشنا شود، تا اینکه وقتی وارد دانشکده حقوق شد فقط حقوق بخواند. در

دانشکده حقوق به دانشجو نمی‌گویند که در اینجا ادبیات بخوان، جامعه‌شناسی بخوان یا دروس دیگر، هر چه در کالج‌های قبل خوانده کافی است. اینجا باید یک مدرسه حرفه‌ای فنی باشد و به نظر من واقعاً این درست است. من نمی‌گویم که حقوق‌دان از علوم دیگر اطلاعاتی نداشته باشد. من می‌گویم نباید شخصی وارد مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری حقوق شود که حقوق نخوانده است، زیرا در دوره تکمیلی عمده مباحث طرح و بحث می‌شود نه همه آنها. در حالی که همه مباحث ضرورت دارد و ممکن است اگر چنین کسی یک ماده را هم نداند، ضرر عمده‌ای به کشور یا به صاحب دعوا وارد کند.

• درباره نحوه تأمین استاد برای گرایش‌های تازه تأسیس و ادبیات و متون درسی آن گرایش‌ها، چه اندیشه و تمهیدی دارید؟

دکتر کاتوزیان:

باید گفت ما نباید فوراً به تأسیس گرایش اقدام کنیم که بدان نیاز داریم یا آن را ضروری می‌پنداریم، بلکه باید در حد مقدوراتمان عمل کنیم. ترقی تدریجی بهتر از جهش نپخته است. آدم‌هایی که تند می‌دوند، معمولاً زمین می‌خورند، ولی آدم‌هایی که قدم‌هایشان را استوار برمی‌دارند، بهتر به مقصد می‌رسند. ما نباید عجله داشته باشیم که چون فلان دانشکده اروپایی یا آمریکایی این تعداد رشته یا گرایش دارد، ما هم باید داشته باشیم تا در آمار بگوییم که دانشکده‌های ما هم ترقی کرده است. این کار، ما را به عقب می‌برد و البته در گرایش‌های تازه تأسیس شده این عیب کاملاً مشاهده می‌شود. اعتقاد من این است که در تأسیس این گرایش‌ها باید محافظه‌کارانه عمل کرد، یعنی در حدود مقدورات نه در حدود آرمان‌ها. دل انسان خیلی چیزها را می‌خواهد، اما باید ببیند جیبش چه قدر کمک می‌کند، پایش چه قدر توان دارد.

• چه درس یا گرایش جدیدی را لازم می‌دانید و توصیه می‌کنید؟

دکتر کاتوزیان:

نمی‌شود گفت چه درسی را و دقیقاً آن را مشخص کنیم. درس‌ها به مرور زمان می‌آید. حقوق تجارت زمانی وجود و استقلال خودش هم محل تردید بود، در حالی که الآن خاستگاه چندین رشته شده است، مثل حقوق دریایی، حقوق هوایی یا حقوق تجارت بین‌الملل. رشته‌ها به مرور زمان این زایش را از خود نشان خواهند داد. الآن مثلاً حمایت از مصرف‌کننده یکی از شاخه‌های مسئولیت مدنی شده است، یا اصلاً خود درس مسئولیت مدنی دیگر جزء حقوق مدنی نیست و شاخه مستقلی شده است. شاید بتوان گفت که ما از تعداد دروس یا گرایش‌ها مشکل زیادی نداریم، مشکل همانا در کیفیت دروس است.

دکتر جعفری تبار:

ما باید ببینیم که چه نیاز داریم. ضرورت درس خودش را نشان خواهد داد. برای نمونه، من فکر می‌کنم که دورنمای فلسفه حقوق پیداست و این درس ضرورت استقلال خود را نشان می‌دهد. می‌بینیم که دانشجویان به این درس علاقه دارند و دنبال آن می‌روند، گرچه شاید هم از دید معیشتی برایشان چندان مفید نباشد. یا درس حقوق ثبت می‌تواند به صورت گرایش مستقل درآید. اما مهم این است که ما باید به تدریج جلو برویم و ببینیم که واقعاً چه نیاز داریم. استاد کاتوزیان نیز در شرف تأسیس بودن گرایش حقوق اجتماعی را تأیید می‌کند.

• کیفیت آموزش دروس فقهی در رشته حقوق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

دکتر کاتوزیان:

کیفیت را من اصلاً قبول ندارم، چون در دانشکده‌های حقوق به طور سنتی فقه نمی‌خوانند، بلکه ترجمه متون فقهی را می‌خوانند و البته این دو با هم فرق دارند. من الآن روش تدریس دروس فقهی و اسلامی را در دانشکده‌های حقوق، متناسب با رشته

حقوق نمی‌بینم. در این زمینه باید تحول اساسی صورت بگیرد. به نظر شما بهتر است که دو سه ساعتی روی یک عبارتی از شهید یا علامه بحث و تحلیل کنید یا اینکه همان وقت را صرف این نکته نمایید که کلمه بعد از «إن» مفتوح می‌آید یا خیر یا اینکه لا در نقش نافیه است یا ناهیه؟ باید گفت که حقوق اسلامی تا حدودی گرفتار مباحث الفاظ شده است و از آنچه در جامعه انسانی می‌گذرد، دور نگه داشته شده است. در حالی که باید بحث‌های زنده‌ای وارد علم حقوق شود. ما اگر علاقه داریم باید به این نوسازی مباحث حقوقی کمک کنیم، نه اینکه آن را در همان شکل ثابت نگه داریم؛ مثلاً در کنکور دکتری، استادان حقوق اسلامی ما یک متن فقهی می‌دهند و می‌گویند آن را ترجمه کنید. در حالی که باید موضوعی را بدهند و بگویند از دید فقهی آن را تحلیل کنید.

• برخی از دروس فقهی، خصوصاً به علت تکرار در درس‌های حقوق مدنی، غیرضروری به نظر می‌رسند، همچون متون فقه ۲ و ۳ در مقطع کارشناسی حقوق که به ترتیب در حقوق مدنی ۵ و حقوق مدنی ۸ با کمترین تفاوت آموخته می‌شوند. آیا با حذف این دروس فقهی موافق-اید؟

دکتر کاتوزیان:

ممکن است شما ضمن مدنی، فقه هم بخوانید و مباحث فقهی هم داشته باشید. اما فرض این است که حقوق مدنی درس مستقلی است و در آن از فقه بحث نمی‌شود، آن وقت چه کار باید کرد، آیا از مبانی تاریخی احکام مدنی غافل خواهید ماند؟ پس می‌توان گفت که این مباحث زاید و غیرضروری نیستند، مشکل همانا در روش ارائه آنهاست که درست صورت نمی‌گیرد.

دکتر جعفری تبار:

متون فقه باید به صورت تاریخ حقوق مدنی مطرح شود. الآن ما درسی داریم به اسم حقوق مدنی که مضبوط و مشخص است و مطالعه نکات قانونی در آن مدنظر است، که معمولاً از نکات قانونی به قواعد حقوق می‌رسیم و حول آن بحث می‌کنیم. یکی از مباحثی که درباره قواعد حقوقی می‌توانیم بحث کنیم، عبارت است از تاریخ

حقوقی آن قواعد. من در تأیید فرمایش استاد کاتوزیان باید بگویم که متون فقه باید باقی باشد، منتها باید در راستای تأیید حقوق مدنی و بررسی و مطالعه تاریخ و تحول حقوق مدنی عمل کند. یا مثلاً همان نقش را باید در حقوق جزا داشته باشد. در این مرحله باید از مباحث لفظی دست بکشیم. مهم درک درست و فهمیدن مسائل فقهی است، ولو مطالعه کننده آن متن فقهی را نادرست بخواند. لازم نیست که کسی عربی را حتماً درست بداند و بخواند. چه بسا برداشت این شخص بهتر از کسی باشد که اعراب کلمات را رعایت می کند، اما چون تسلط حقوقی ندارد برداشت خوبی نمی تواند داشته باشد. پس می توان گفت که مطالعه متون فقه از آن دید که تاریخ حقوق مدنی یا جزا محسوب می شود، ضرورت دارد.

در رابطه با اصول فقه هم باید گفت که شیوه تدریس آن را باید تغییر داد. اصول فقه ضروری است. منتها باید کمی با کلام هم عجین شود. چون در واقع مباحث عمقی و فلسفی تر در علم کلام آمده است.

آن که اصول فقه تدریس می کند، باید زبان شناس حقوقی هم باشد و معنای دقیق الفاظ حقوقی را بداند و درباره آن بحث نماید. در این درس مصداقها و مثالها باید از حقوق و مواد قانونی نقل شود و از مثالهای فقهی سنتی و ثابت دست بردارند.

• در مقایسه چهار گرایش اصلی حقوق (حقوق عمومی و خصوصی و جزا و بین الملل) ملاحظه می شود که واحدهای درسی حقوق خصوصی به تنهایی بیش از نصف کل واحد دوران کارشناسی است، در حالی که گرایشی مثل حقوق عمومی به اندازه یک چهارم حقوق خصوصی واحد درسی دارد. آیا این نابرابری، ضرورت دارد یا همچون اعتقاد بعضی امپراتوری است؟

دکتر کاتوزیان:

اولاً باید گفت که رشته حقوق خصوصی این مزیت را دارد که در ایران روی آن بیشتر کار شده است و البته این حکم طبیعت است. وقتی دو نفر در کمیسیونی می نشینند، آن که صلاحیتش بیشتر است بر دیگری که صلاحیتش کمتر است، تأثیر می-

گذارد. در تقابل رشته‌ها نیز همین‌طور است. برای نمونه حقوق عمومی را در نظر بگیریم که می‌گویید تعداد واحدهای این گرایش در مقایسه با حقوق خصوصی خیلی کم است. آیا این گرایش حقوق عمومی که واحدهای درسی آن یک چهارم یا یک پنجم حقوق خصوصی است، ادبیاتش نیز به پای حقوق خصوصی می‌رسد یا نه. در حالی که واقعیت عکس است. شما کتاب‌های حقوق خصوصی را یک طرف بچینید و کتاب‌های حقوق عمومی را طرف دیگر. آن وقت مشخص می‌شود که این امپراتوری خودجوش است یا مبتنی بر پشتیبانی.

ثانیاً مطالعه تاریخی نشان می‌دهد که هر چه جوامع پیشرفته‌تر شوند از مسائل مربوط به حقوق کیفری کاسته و به مسائل حقوقی اضافه می‌شود. یا برای مثال، بر اثر گرایش به تجارت آزاد و خصوصی‌سازی، برخی امور از دست دولت خارج و به دست بخش خصوصی داده می‌شود که خود مسائل حقوق خصوصی را افزایش می‌دهد. بنابراین طبیعت رشته حقوق خصوصی و پیشرفتی که از لحاظ نظری و عملی کرده است، این غلبه را به وجود آورده. این غلبه خودجوش و طبیعی است و نباید از آن به عنوان امپراتوری یاد کرد.

دکتر جعفری تبار:

تاریخ حقوق خصوصی ما خیلی قوی بوده و شاید بتوان گفت که قوی‌ترین حقوق-دانان ما هم در حقوق خصوصی بوده‌اند. یعنی اگر شما فیلسوف حقوق هم بخواهید، باید سراغ حقوق خصوصی را بگیرید. اما به هر حال نباید نیاز دیگر رشته‌ها را فراموش کنیم. مثلاً به نظر می‌رسد برای دانشجوی دوره لیسانس، درس حقوق بشر جزء درس-های اجباری باشد، آن هم در چندین واحد درسی متعدد که در این حالت هم یقیناً بر حیطه حقوق عمومی اضافه می‌شود. اما باید گفت که دلیل اصلی امپراتوری حقوق خصوصی ریشه تاریخی آن است، خصوصاً اگر ریشه و منابع فقهی آن را ملاحظه کنید.

• اگر گرایش‌های دیگر همچون حقوق عمومی آماده تدریس درس‌های بیشتری شدند، شما چه راهکاری می‌اندیشید تا به آنها فرصت ارائه بدهید؟ بعضی معتقدند که در همان مقطع کارشناسی هم به طور نسبی

گرایش دانشجویان مشخص شود و آن که دنبال حقوق عمومی یا جزا است، لازم نیست که ارث و وصیت بخواند. آیا با این نظر موافق‌اید؟ آیا چاره را در افزایش مدت تحصیل در مقطع کارشناسی می‌بینید؟

دکتر کاتوزیان:

اینکه برخی دانشجویان به اختیار برخی دروس حقوقی و خصوصاً حقوق خصوصی را نخوانند، مشروط بر این است که به آنها اجازه داده نشود وارد وکالت یا قضاوت شوند. گفتم که اینجا یک مدرسه حرفه‌ای است. لیسانس حقوق ولو به عنوان دوازدهم، باید درس ارث را هم بخواند و بلد باشد، زیرا اولین بار که برای حصر وراثت پایش را به دادگستری می‌گذارد، با تقسیم ارث مواجه می‌شود. گریزی از این کار نیست و نمی‌توان پیشنهاد کرد که بخشی از درس‌های یک رشته خوانده نشود. من هم خیلی چیزها را دوست ندارم، اما باید بخوانم.

با افزایش مدت تحصیل هم موافقت ندارم، زیرا چهار سال (برای دوران کارشناسی) حداکثر مدت است. چاره این است که این واحدها کاملاً تعدیل بشود. فرضاً همان طور که خودتان گفتید، حذف آن دروس از متون فقهی که با کمترین تغییر در دروس حقوق مدنی مطالعه می‌شوند از بعضی مباحث فقهی بتوانیم تقلیل بدهیم و به جای آن دروس عمومی یا درس‌های دیگر را اضافه کنیم.

• نظر شما دربارهٔ مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، خصوصاً کیفیت دروس آنها چیست؟

دکتر کاتوزیان:

من فکر می‌کنم یکی از این دو مقطع اضافه است، خصوصاً مقطع ارشد. کسانی که لیسانس حقوق می‌گیرند، می‌توانند وارد مقطع تحقیقاتی بشوند؛ آنهایی که تحقیقشان عالی باشد، دکتر بشوند و آنهایی که تحقیقات متوسط دارند، مدرک کارشناسی ارشد بگیرند. اما اینکه دو دورهٔ مستقل و جدا در مقطع تحصیلات تکمیلی باشد، نتیجه‌ای جز تکرار درس‌ها ندارد. اگر از استادهایی که در مقطع تکمیلی تدریس می‌کنند سؤال کنید، هشتاد درصدشان جواب می‌دهند که مطلبی را که در ارشد تدریس می‌کنند در دکتری

نیز تکرار می‌کنند و بالعکس. از دید سابق هم باید بگوییم که در زمان تحصیل ما مقطع کارشناسی ارشد وجود نداشت.

● آموزش حقوق به صورت غیرخصوصی را چطور ارزیابی می‌کنید؟
مثل دانشگاه پیام نور که حضور دانشجو در کلاس درس اجباری نیست.

دکتر کاتوزیان:

به عنوان یک بد ضروری ممکن است پذیرفته شود، برای اینکه دانشجویان یا دانش‌آموزان ما بیکار نمانند و به خارج نروند و پول‌هایشان را هدر ندهند. اما باید گفت که حضور استاد در کلاس درس و رابطه‌ای که بین استاد و دانشجو در حین تدریس ایجاد می‌شود را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت زیرا آموزش مجازی یا با حضور کمتر، هرگز نمی‌تواند خلأ ناشی از نبود نظارت استاد بر درس دانشجو را جبران کند.

● آیا با آموزش بدون استاد در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری موافق هستید؟

دکتر کاتوزیان:

ابداً، به هیچ‌وجه. گفتم که اگر قرار است این آموزش صورت گیرد صرفاً برای دوره لیسانس، آن هم برای سرگرم کردن جوان‌ها که پول خود را در خارج به هدر ندهند و تحصیلات متوسطی پیدا کنند.

● استدلال عده‌ای این است که در مقطع کارشناسی که دانشجو هیچ علمی از حقوق ندارد و می‌خواهد حقوق را از ابتدا شروع کند، حضور استاد ضروری است. اما در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری که دانشجو کلیات را آموخته است و تخصصی کار می‌کند، نیازی دائم و مستمر به استاد ندارد و تبعاً ایجاد دانشکده غیرحضوری حقوق در مقاطع

کارشناسی ارشد و دکتری نه تنها ممکن، بلکه مفید است. آیا با این نظر موافق هستید؟

دکتر کاتوزیان:

آری. این صحیح است که استاد در مقطع کارشناسی وارد تفصیل مباحث می‌شود، اما در مقاطع تکمیلی با یک اشاره می‌تواند مطلب خود را بفهماند. اما همان حضور و جمع کلاس و سؤالاتی که مطرح می‌شود خیلی مؤثر است و به راحتی نمی‌توان از آنها عدول کرد.

یک مسئله هم کنکور است. این التزام که حتماً سؤالات (کنکور حقوق) باید چهارجوابی باشد، درس‌ها را محدود می‌کند به مباحث و مسائل بخصوص. اکثر مطالب در حقوق قابل بحث است. من یک عقیده دارم، شما یک عقیده دارید و دیگری عقیده خاصی. چهارجوابی طرح کردن سؤالات بدین معنی است که این همه مباحث را بگذاریم کنار و صرفاً مسائل خاصی را که جوابشان (در قانون) صریح و روشن است، به عنوان سؤال امتحانی طرح کنیم و حتماً در آن مسئله خاص هم باید چهار تا جواب وجود داشته باشد! این نوع سؤال دادن معلومات دانشجو را نشان نمی‌دهد. اینها نیاز به مطالعه دارد و باید اصلاح شود.

البته نظر من این نیست که امتحان‌های حقوق و خصوصاً کنکورهای آن باید به طور کامل تشریحی و تفصیلی باشد. منظورم این است که لازم نیست جواب سؤال دقیقاً یکی از موارد تعیین شده باشد. منظور من آزمودن فهم دانشجو و استنباط او است. استاد (طراح سؤال) می‌تواند این امر را با خواستن جواب کوتاه و محدودتر (مثلاً در سه سطر جواب دهید) عملی کند و نیازی به جواب تفصیلی و طولانی نباشد.

• درباره آموزش حقوق برای دانش‌آموزان، خصوصاً دانش‌آموزان دبیرستانی چه نظری دارید؟

دکتر کاتوزیان:

حتماً لازم است و من با آن موافقم، زیرا کسی که حقوق نمی‌خواند باید حداقل با ساختمان اصلی حقوق کشورش و توانایی‌ها و حقوقی را که در آن جامعه دارد، آشنا

شود. تأمین معلم برای این درس نیز می‌تواند از طریق استفاده از وکلای دادگستری یا با جذب دانش‌آموختگان لیسانس حقوق صورت گیرد، زیرا در این مقطع نیازی به مباحث و مطالب عمیق‌تر نیست و به اندازه دبیرستان اگر درس بدهند کافی است.

● **برخی بر این باورند که ضرورت دارد برای دانش‌آموزان ابتدایی یا راهنمایی، حقوق شهروندی تدریس شود. نظر شما چیست؟**

دکتر کاتوزیان:

آموزش حقوق شهروندی خوب است. اما مهم این است که دانش‌آموزان دبستانی هنوز آمادگی قبول تکلیف را ندارند. اینها نیاز به نوازش دارند و تشویق. به نظر من این درس هم باید در دوره دبیرستان و به‌خصوص سه سال آخر دبیرستان تدریس شود.

● **نظر شما درباره افزودن درس‌های عملی در رشته حقوق چیست؟**

دکتر کاتوزیان:

این بسیار خوب است. ما الآن در دانشکده حقوق دانشگاه تهران درسی گذاشته‌ایم به اسم رویه قضایی که دانشجویان هم استقبال می‌کنند. در واقع در این درس ما لابراتوار دادگاه‌ها هستیم. سابقاً در سال سوم دانشجویان را می‌فرستادیم به دادگاه‌ها که آموزش عملی هم ببینند. الآن این کار رها شده است. اما من فکر می‌کنم اگر احیا بشود، مفید خواهد بود.

دکتر جعفری تبار: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر در کنار درس رویه قضایی، درس «تمرین عملی دعاوی» هم به عنوان درس اجباری اضافه شود، یقیناً نتیجه خوبی خواهد داد. زیرا دانشجویان فرصت پیدا می‌کنند تا آراء را بخوانند و نقد و نظر خود را بدهند. دانشجویی که می‌خواهد در آینده قاضی بشود یا وکیل، می‌تواند بر حسب علاقه خود در درس تمرین عملی نظر بدهد و ذوق خود را پرورش دهد.

دکتر کاتوزیان:

به نظر من این تمرین باید وقتش از وقت دروس نظری جدا باشد. چه بسا جنبه نظری درس، یک ساعت از وقت کلاس را بگیرد، اما تمرین آن چهار ساعت وقت بخواهد. ما الآن دستمان بسته است، از ما می‌خواهند که تمرین هر درس را نیز در زمان مربوط به تدریس نظری آن درس انجام دهیم و به این دلیل است که می‌گوییم کار جدیدی نمی‌توانیم انجام دهیم و واحد درسی جدا و مستقلاً نداریم. این جنبه عملی درس باید کاملاً جدا بشود تا بتوان به اندازه زمان کافی دانشجو را به کار گرفت، ولو اینکه واحد نظری آن درس کمتر باشد.

